
اجرای احکام مدنی

به ضمیمه‌ی
قانون اجرای احکام مدنی

عارفه مدنی کرمانی
قاضی دادگستری



مجمع علمی و فرهنگی مجد

مدنی کرمانی، عارفه، ۱۳۳۰ -

اجرای احکام مدنی / نگارش عارفه مدنی کرمانی. (تهران): مجمع علمی
و فرهنگی مجد

ISBN 964-7820-88-7:

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

۱- قانون مدنی ایران. ۲- حقوق خصوصی. ۳- آیین دادرسی مدنی ایران. ج.

۳۴۵/۵۵

KMH۳۷۹۴/۳/۱۵۲

۲۱۶۷۶ - ۸۶ م

کتابخانه ملی ایران

اجرای احکام مدنی

مؤلف: عارفه مدنی کرمانی

انتشارات مجد

چاپ اول: ۱۳۸۵ تعداد: ۲۰۰۰ نسخه

حق چاپ محفوظ و منحصر به «مجد» است.

دفتر مرکزی:

ابتدای خیابان اردیبهشت (منیری جاوید)، تقاطع شهدای زاهدانمری، پلاک ۲۲۱

تلفن و دورنگار: ۶۶۴۹۵۰۳۴ - ۶۶۴۰۹۴۲۲ - ۶۶۴۰۳۳۸۶

شابک: ۹۶۴-۷۸۲۰-۸۸۷

ISBN: 964-7820-88-7

نمایشگاه دائمی کتابهای حقوقی و قانون «مجد»

خیابان ۱۲ فروردین، مقابل تعزیرات، پلاک ۱۰، طبقه دوم تلفن: ۶۶۴۹۰۹۹۸

www.majdlaw.com

E-mail: majd@majdlaw.com

برای شرکت در کلاسهای کارشناسی ارشد پیام نور و آمادگی برای آزمون کارشناسی ارشد
(سراسری و آزاد) با دپارتمان آموزش «مجد» تماس حاصل فرمایید.

فهرست مطالب

۱۱	 مقدمه
۱۳	 تعریف اجرای احکام مدنی
۱۵	 انواع احکام مدنی
۱۵	 اجرای احکام مدنی از جهات نوع اجرا
۱۵	 سابقه تقنینی
۱۸	 فصل اول - قواعد عمومی
۱۸	 مبحث اول - مقدمات اجرا
۱۸	 شرایط اجرای حکم مدنی
۲۰	 اجرای حکم احکام در امور حسبی
۲۰	 حکم توقف تاجر ورشکسته
۲۱	 اجرای ماده ۳ قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۷۶/۵/۲۶
۲۱	 اجرای حکم طلاق
۲۱	 اجرای موقت اصلاحی ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی سال ۷۶
۲۲	 اجرای موقت احکام مدنی
۲۲	 شرایط اجرای موقت
۲۳	 موارد اجرای حکم موقت
۲۳	 موارد اجرای حکم بدون تصریح به اجرای موقت
۲۴	 موضوع ابلاغ حکم
۲۶	 معین بودن موضوع حکم
۲۶	 درخواست صدور اجرائیه
۲۷	 صدور اجرائیه بر اساس مفاد سازشنامه
۲۸	 مواردی که حکم اجرا می‌گردد و نیازی به صدور اجرائیه نمی‌باشد
۳۳	 مرجع صدور اجرائیه
۳۴	 استثناء بر اصل صلاحیت دادگاه نخستین
۳۵	 ابلاغ اجرائیه به محکوم علیه
۳۶	 ب - ابلاغ اجرائیه به قائم مقام محکوم علیه
۳۷	 برگ اجرائیه و مشخصات مندرج در آن
۳۹	 نمونه برگ اجرائیه با اطلاعات ظهر آن
۴۱	 تعداد برگهای اجرائیه
۴۱	 مبحث دوم - مأمورین اجرای احکام
۴۱	 ۱ - مدیر اجرا
۴۲	 ابطال و تصحیح اجرائیه
۴۳	 دخالت قوه قضائیه در امر اجرا
۴۳	 بخشنامه م/ ۱۸۱/ ۱/ ۲۰ مورخه ۱۳۶۹/ ۱۱/ ۲۱

۴۳		مأمورین اجرا یا دادورز
۴۵		۲- ژاندارمری و شهربانی
۴۵		مقاومت در مقابل اجرای حکم
۴۶		ضمانت اجرای عدم همکاری مأمورین رسمی
۴۷		توهین به مأمور اجرا در حین انجام وظیفه
۴۷		موضوع ممانعت از انجام وظیفه دادورز
۴۸		موارد رد مدیران و مأموران اجرا
۵۰		دایره اجرای احکام
۵۰		نیابت در اجرای عملیات اجرایی
۵۱		پرونده اجرایی
۵۲		جواز تسلیم فتوکپی و مطالعه پرونده اجرایی توسط طرفین
۵۲		تعیین مأمور اجرا
۵۳		موارد تعطیل - توقیف - قطع و تأخیر اجرای حکم
۵۴		موارد توقف یا تأخیر عملیات اجرایی
۵۹		اشکالات و ابهامات حکم و مرجع رفع آن
۶۱		رسیدگی دادگاه برای رفع ابهام
۶۱		قرار تأخیر اجرای حکم
۶۲		اجرای رای داور
۶۲		مواعد در اجرای احکام
۶۳		ورشکستگی در ضمن عملیات اجرایی
۶۴		تکلیف محکوم علیه پس از ابلاغ ورقه اجراییه
۶۵		۱- اجرای مفاد اجراییه
۶۶		۲- ترتیب پرداخت محکوم به
۶۶		۳- معرفی مال برای اجرای حکم و استیفاء محکوم به
۶۶		۴- تسلیم صورت جامع دارایی
۶۷		پرداخت دین از جانب غیر مدیون
۶۷		وصول محکوم به و ضمانت اجرای کیفری
۶۸		قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب سال ۷۷
۷۱		برداشت محکوم به از حساب نمایندگی های خارجی در ایران
۷۲		توقیف اموال محکوم علیه در صورت غیبت او
۷۲		حدود راهنمایی و ارشاد مأمور اجرا
۷۳		اقدامات اجرایی پس از تحصیل محکوم به
۷۴		محکوم به مال غیر منقول
۷۴		چگونگی تحویل عین معین مشاعی
۷۵		نظریه های اداره حقوقی
۷۶		اجرای حکم تخلیه ملک مشاع
۷۷		محکوم به عین معین در تصرف ثالث

۷۹	تعیین تکلیف در خصوص اموال موجود در ملک موضوع خلع ید
۸۱	محکوم به عین معین غیر قابل دسترسی
۸۲	نظریه اداره حقوقی قوه قضائیه شماره ۷۶/۱۵۹۷
۸۲	نظریه شماره ۷/۳۴۰ اداره حقوقی ۱۳۶۰/۵/۳۱
۸۲	موضوع اجرای حکم انجام عمل از ناحیه محکوم علیه
۸۴	زراعت و حکم خلع ید
۸۶	فصل دوم - توقیف اموال
۸۶	مبحث اول - مقورات عمومی راجع به توقیف اموال
۸۶	توقیف فوری اموال محکوم علیه و نیابت در توقیف
۸۷	میزان توقیف مال محکوم علیه
۸۸	استیفای محکوم به از مال توقیف شده
۸۸	توقیف سرقتی
۸۸	مفهوم سرقتی
۸۹	آیا توقیف سرقتی جایز است
۹۰	درخواست تبدیل مال توقیف شده به تقاضای محکوم علیه و محکوم له
۹۱	توقیف مازاد مال
۹۲	آزاد شدن مال توقیف شده توسط محکوم له و توقیف مجدد
۹۳	منع نقل و انتقال اموال توقیف شده
۹۴	عدم نفوذ قرارداد یا تعهد نسبت به مال توقیف شده
۹۵	رفع توقیف از مال توقیف شده
۹۵	جواز فروش مال توقیف شده
۹۶	امکان توقیف ملک بدون حضور طرفین
۹۶	مبحث دوم - عدم توقیف مال منقول نزد شخص ثالث
۹۷	توقیف اموال منقول خارج از محل سکونت یا محل کار
۹۸	حکم اموال منقول در محل سکونت زوجین
۹۹	رفع موانع توقیف اموال منقول در محل در بسته
۱۰۰	عدم توقیف اموال ضایع شدنی
۱۰۰	مستثنیات دین
۱۰۵	دادگاه صالح برای رسیدگی به اختلاف در حدود مستثنیات دین
۱۰۶	مبحث سوم - ترتیب صورت برداری از اموال منقول
۱۰۷	منع دستکاری در صورت جلسه تنظیمی
۱۰۷	ضرورت انعکاس حق ثالث به مال در حال توقیف
۱۰۸	مهلت ایراد طرفین به صورت جلسه تنظیمی به وسیله دادورز
۱۰۸	قید تاریخ تنظیم صورت اموال و جواز تسلیم رونوشت مصدق صورت جلسه به طرفین
۱۰۹	مبحث چهارم - ترتیب ارزیابی اموال منقول
۱۱۰	ارزیابی بوسیله ارزیاب
۱۱۱	شکایت نسبت به ارزیابی

۱۱۱	حق الزحمه ارزیاب.....
۱۱۲	مبحث پنجم - حفظ اموال منقول توقیف شده.....
۱۱۲	حافظ اموال و چگونگی انتخاب حافظ.....
۱۱۳	نحوه انتخاب حافظ.....
۱۱۳	لزوم سپردن اوراق بهادار به بانکها.....
۱۱۴	افرادی که نمی توانند به عنوان حافظ تعیین شوند.....
۱۱۵	ترتیب تحویل اموال توقیف شده به حافظ.....
۱۱۵	اجرت حافظ.....
۱۱۶	چگونگی پرداخت اجرت حافظ.....
۱۱۶	مسئولیت قانونی حافظ.....
۱۱۸	محاسبه منافع مال توقیف شده.....
۱۱۸	امتناع حافظ از تسلیم اموال توقیف شده.....
۱۱۹	تغییر حافظ.....
۱۲۰	مبحث ششم - توقیف اموال منقول محکوم علیه نزد شخص ثالث.....
۱۲۳	امتناع شخص ثالث از تحویل مال.....
۱۲۴	مبحث هفتم - توقیف حقوق مستخدمین.....
۱۲۶	منع بازداشت حقوق نظامیان.....
۱۲۶	ترتیب برداشت از حقوق مستخدم.....
۱۲۷	مبحث هشتم - توقیف اموال غیر منقول.....
۱۲۷	توقیف ملک در جریان ثبت.....
۱۲۸	توقیف مال غیر منقول بدون سابقه ثبت.....
۱۲۹	توقیف عواید.....
۱۲۹	ارتباط توقیف عین ملک و عواید.....
۱۳۰	توقیف محصول املاک و باغات.....
۱۳۱	مبحث نهم - صورت برداری اموال غیر منقول.....
۱۳۲	مبحث دهم - ارزیابی و حفظ اموال غیر منقول.....
۱۳۴	فصل سوم - فروش اموال توقیف شده.....
۱۳۴	مبحث اول - فروش اموال منقول توقیف شده.....
۱۳۴	مبحث دوم - فروش اموال منقول.....
۱۳۴	توافق محکوم و محکوم علیه در مورد محل فروش.....
۱۳۵	تعیین محل فروش به وسیله مأمور اجرا.....
۱۳۵	تعیین مدت فروش از جانب اجرا.....
۱۳۶	ترتیب فروش اموال توقیف شده.....
۱۳۶	انتشار آگهی مزایده.....
۱۳۶	الصاق آگهی در معابر.....
۱۳۷	نکاتی که در آگهی مزایده باید قید گردد.....
۱۳۷	فروش اموال آگهی شده.....

۱۳۷	بازدید اموال توسط داوطلبان خرید
۱۳۸	افرادی که نمی‌توانند در مزایده شرکت نمایند
۱۳۹	ترتیب پرداخت وجه از ناحیه برنده مزایده
۱۳۹	حدود اختیارات صاحب مال
۱۴۰	عدم فروش مال در مزایده
۱۴۱	عدم فروش مال در دفعه دوم
۱۴۲	تنظیم صورت مجلس فروش
۱۴۲	استرداد بقیه اموال به محکوم علیه
۱۴۲	موارد بی اعتباری مزایده
۱۴۳	مبحث سوم - فروش اموال غیر منقول
۱۴۴	محتویات آگهی فروش
۱۴۴	چگونگی فروش ملک مشاع
۱۴۵	تنظیم صورت مجلس فروش
۱۴۵	شکایت نسبت به تنظیم صورت مجلس
۱۴۵	دستور انتقال توسط دادگاه
۱۴۶	تکلیف اجرا در صورتی که ملک خریدار نداشته باشد
۱۴۶	خودداری مالک از حضور در دفترخانه جهت انتقال سند
۱۴۸	نمونه آگهی مزایده مال منقول
۱۴۹	نمونه آگهی مزایده مال منقول
۱۵۰	نمونه آگهی مزایده اموال غیر منقول
۱۵۱	فصل چهارم - اعتراض شخص ثالث
۱۵۴	فصل پنجم - حق تقدّم در عواید اجرا
۱۵۷	چگونگی پرداخت بدهی بستانکاران
۱۵۸	فصل ششم - تأدیه طلب
۱۵۹	استرداد اضافه پرداختی به طلبکار
۱۵۹	وصول خسارت تأخیر تأدیه
۱۶۱	فصل هفتم - هزینه های اجرایی
۱۶۱	میزان هزینه اجرایی
۱۶۲	زمان پرداخت حق اجرا
۱۶۲	ترتیب وصول حق اجرا
۱۶۳	تملک دادورز پس از وصول حق اجرا
۱۶۳	ترتیب وصول جریمه نقدی
۱۶۴	استرداد حق اجرا
۱۶۴	موارد معافیت و تخفیف حق اجرا
۱۶۵	هزینه اجرایی مراجع غیر دادگستری
۱۶۵	هزینه اجرایی دولت
۱۶۶	موارد مصرف حق الاجرا

۱۶۶	شمول مقررات این قانون به اجرائیه‌های سابق
۱۶۶	مسئله مرور زمان در عملیات اجرایی
۱۶۸	فصل هشتم - اجرای احکام صادره از دادگاه‌های خارج
۱۶۹	شرایط اجرای حکم بیگانه قابل اجرا در ایران
۱۷۳	مرجع صدور اجرائیه احکام خارجی
۱۷۴	ترتیب صدور اجرائیه نسبت به احکام بیگانه
۱۷۴	مدارک ضمیمه تقاضانامه
۱۷۵	نحوه رسیدگی دادگاه
۱۷۵	مرجع رسیدگی از عدم پذیرش اجرای احکام خارجی
۱۷۶	اجرای اسناد خارجی
۱۷۷	نحوه اجرای احکام خارجی
۱۷۸	رسیدگی به اختلافات ناشی از اجرای احکام و اسناد خارجی
۱۷۹	قانون اجرای احکام مدنی
۱۷۹	فصل اول - قواعد عمومی
۱۷۹	مبحث اول - مقدمات اجرا
۱۸۰	مبحث دوم - دادورزها (مأمورین اجرا)
۱۸۱	مبحث سوم - ترتیب اجرا
۱۸۶	فصل دوم - توقیف اموال
۱۸۶	مبحث اول - مقررات عمومی
۱۸۷	مبحث دوم - در توقیف اموال منقول
۱۸۹	مبحث سوم - صورت برداری اموال منقول
۱۸۹	مبحث چهارم - ارزیابی اموال منقول
۱۹۰	مبحث پنجم - حفظ اموال منقول توقیف شده
۱۹۱	مبحث ششم - توقیف اموال منقول محکوم علیه که نزد شخص ثالث است
۱۹۳	مبحث هفتم - توقیف حقوق مستخدمین
۱۹۳	مبحث هشتم - توقیف اموال غیر منقول
۱۹۴	مبحث نهم - صورت برداری اموال غیر منقول
۱۹۵	مبحث دهم - ارزیابی و حفظ اموال غیر منقول
۱۹۵	فصل سوم - فروش اموال توقیف شده
۱۹۵	مبحث اول - فروش اموال منقول
۱۹۷	مبحث دوم - فروش اموال غیر منقول
۱۹۹	فصل پنجم - اعتراض شخص ثالث
۱۹۹	فصل ششم - حق تقدم
۲۰۰	فصل هفتم - تأدیه طلب
۲۰۱	فصل هشتم - هزینه‌های اجرایی
۲۰۲	فصل نهم - احکام و اسناد لازم الاجرای کشورهای خارجی
۲۰۵	فهرست منابع و مآخذ

مقدمه

از بین قوای سه گانه هر حکومت، قوه قضاییه در تأمین عدالت، امنیت و سعادت جامعه نقشی مؤثر و برجسته و محوری دارد.

ایفای نقش مؤثر و برجسته قوه قضاییه مستلزم وجود قضاتی مجرب با دانش قضایی لازم است که با بی طرفی کامل و در عین حال با قاطعیت، شجاعت و سرعت به حل و فصل اختلافات بپردازد و حکم لازم را در قضیه مطروحه به دور از هر گونه شائبه صادر و تنها به اعمال حق و اجرای عدالت فکر کند و بدون هیچ گونه بیم قادر به تأمین حقوق تضییع شده افراد و حفظ ثبات جامعه بر اساس موازین عدل و انصاف باشد.

از این رهگذر مردم باید به تصمیمات و آراء قضایی که با بی طرفی کامل و به دور از هر گونه آلودگی و گرایشی صادر می شود به دیده احترام بنگرند احکام صادره از سوی آنان طوعاً و با طیب خاطر گردن نهند. اجرای حکم به دستور دادگاهها مهمترین بخش رسیدگی و احقاق حق است.

متأسفانه در بسیاری از موارد محکوم علیه به حکم تسلیم نمی گردد و نیاز به اجرای آن از طریق مأمورین اجرای و احتمالاً، استفاده از قوه قهریه است و همواره اجرای احکام محاکم یکی از مسایل بغرنج و از دغدغه های دستگاه قضایی بوده است.

اگر قرار باشد احکام دادگاهی اجرا نشود و یا در پیچ و خم اداری از حرکت باز ایستد و یا حرکت آن کند شود یا محکوم علیه به وسایلی متوسل شود تا امر اجرا به تأخیر انجامد آیا می توان به دستگاه قضایی که مرجع تظلمات عمومی و پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و احیای حقوق عامه است چشم امید داشت. فرض بر این است که در مراحل مختلف دادرسی اعم از عادی یا فوق العاده طرفین دفاعیات خود را عنوان نموده، ایرادات را بر جریان دادرسی چه از نظر شکلی و چه از نظر ماهوی اظهار نموده و دادگاه هم مدارک و مستندات طرفین را با بی طرفی کامل بررسی و حکمی بر اساس مدارک و موافق با دادرسی عادلانه و بر طبق قانون صادر کرده

است حال این حکم باید مطابق مقررات اجرا شود.

با گذشت زمان قانونگذار ضرورت تدوین قوانین جداگانه‌ای را برای اجرای احکام مدنی دریافت و با تأسی از مقررات اجرای اسناد لازم الاجرای ثبتی، در سال ۱۳۵۶ مبادرت به تدوین قانونی با عنوان «قانون اجرای احکام مدنی» نمود که مقررات و چگونگی اجرای این گونه احکام را بیان کرد و تاکنون بر اجرای آرای مدنی حکم فرماست و در حال حاضر با وجود این که مقررات نسبتاً روشن و صریحی در خصوص اجرای احکام مدنی وجود دارد با وجود این دوایر اجرای احکام دادگاه‌ها و مأمورین اجرای احکام با مشکلات زیادی مواجه هستند و در همه موارد رویه‌های ثابت و دقیقی وجود ندارد. گاهی اشخاص ثالث بنا به خواست یکی از طرفین در جریان اجرا ایجاد اختلال می‌نمایند. و زمانی در امر توقیف و بازداشت اموال منقول و غیرمنقول مسایلی پیش می‌آید که مدت‌ها اجرای حکم را به تأخیر می‌اندازد.

امر اجرای حکم به عهده دولت و سازمان‌های دولتی و وابسته به دولت و مؤسسات عمومی مانند شهرداری هم مشکلات مخصوص به خود را دارد این بی‌حرمتی به اجرای قانون و احکام محاکم و عدم اعتنا به دستور قاضی در بعضی موارد چهره قضایی را خدشه دار نموده است. اگر مأمورین اجرا، مدیران اجرا و دادگاه ناظر بر کار آنها، اشراف و تسلط کامل بر اجرا داشته باشند، امر اجرا آن‌طور که نظر قانون‌گذاران است انجام می‌گیرد. بدین ترتیب اجرای حکم و دستور دادرس، مرحله‌ای خطیر و حساس می‌باشد و به همین دلیل است که در واحدهای قضایی دوایری با عنوان «اجرای احکام مدنی» وجود دارد که زیر نظر آن دادگاه انجام وظیفه می‌کند در واقع اجرای حکم مرحله‌ای پر از نکات حقوقی و نظارت شخصی قاضی را بر آن ایجاب می‌کند.

اهمیت اجرای احکام و کاربرد روزه مره و فراوان و اشتغال به کار در اجرای احکام طی سال‌ها خدمت قضایی مرا بر آن داشت که تجربیات خود را در حد بضاعت خود به رشته تحریر در آورم و آن را تقدیم خوانندگان این رشته از حقوق نمایم. امید است کتاب مورد استفاده دانشجویان و کسانی که با این رشته از حقوق سر و کار دارند قرار گیرد. در پایان از راهنمایی دلسوزانه‌ای که نسبت به نگارش این کتاب می‌نمایند پیشاپیش سپاسگزاری می‌نمایم.

زمستان ۱۳۸۵ - عارفه مدنی کرمانی

تعریف اجرای احکام مدنی

اجرای حکم و دستور دادگاهها و مراجع قضایی مهمترین مرحله دادرسی است زیرا صدور حکم اگر پشتوانه اجرایی نداشته باشد نوشته‌ای بیش نیست و در واقع، محکوم‌له در مرحله اجرای رأی است که طعم شیرین احقاق حق خود را در می‌یابد و از زحمات دادگستری قدردانی می‌کند و محکوم علیه هم در می‌یابد که چگونه زیر پا گذاردن حقوق دیگران بی‌جزا نخواهد ماند.

قانون اجرای احکام مدنی تعریفی از اجرای احکام مدنی ارائه نداده است بلکه احکام قابل اجرا را تعریف و بیان همه است.

و می‌توان اجرای حکم را اعمال قدرت عمومی در جهت رسیدن به حق ذینفع و بر طبق ضوابط قانونی تعریف نمود.

بنابراین برای اجرای هر حکمی ۴ رکن لازم است.

۱- اقتدار عمومی

اقتدار عمومی که مسئول برقراری نظم جامعه است در اجرا دخالت می‌کند.

۲- وجود حکم قطعی

زمانی اجرای حکم صورت می‌گیرد که مسبوق به حکم قطعی از مراجع دادگستری باشد با دستور موقت حکمی صادر شده.

۳- عدم تسلیم محکوم علیه به حکم

در صورتی که محکوم علیه طوعاً به حکم صادره گردن نهد اجرای حکم صورت عملی به خود نمی‌گیرد لیکن زمانی که محکوم علیه مایل به اجرای حکم نیست و به حکم صادره گردن نمی‌نهد نیاز دخالت اقتدار عمومی احساس می‌شود و حکم به مرحله اجرا در می‌آید.

۴- تقاضا و درخواست ذینفع

اجرای حکم نیاز به درخواست ذینفع است ذینفع یا قائم مقام قانونی او باید

درخواست اجرای حکم را از مراجع ذینفع بنمایند تا حکم به مرحله اجرا درآید. چنانچه ذینفع چنین درخواستی ننماید طبیعی است که قدرت عمومی دست به کار اجرا نمی‌گردد هم‌چنین ذینفع یا قائم مقام وی می‌تواند هر لحظه که بخواهد اجرای حکم را متوقف نماید.

انواع احکام مدنی

اجرای احکام مدنی از جهات نوع اجرا

الف - اجرای موقت، اجرای دائم

۲ - از جهت اجرای مراجع عمومی اجرای احکام مراجع اختصاصی

الف - اجرای مراجع عمومی مانند کلیه دادنامه‌های قطعی یافته از محاکم حقوقی

ب - اجرای احکام محاکم اختصاصی

مانند اجرای احکام صادره از هیات حل اختلاف کار که بموجب تصریح قانون به عهده اجرای احکام گذاشته شده است.

لازم به یادآوری است که اجرای احکام کیفری مقوله جداگانه‌ای و اجرای آن و نیز وصول وجه الکفاله وجه التزام، فروش وثیقه و در ارتباط با پرونده‌ای کیفری با دادسرا است.

سابقه تقنینی

تا قبل از سال ۵۶ دستورالعمل و مقررات ویژه‌ای برای اجرای احکام مدنی وجود نداشت و مقررات پراکنده‌ای وجود داشت.

الف - مبنای قانون اجرای حکم قبل از تصویب قانون اجرای احکام سال ۱۳۵۶

اهم مقررات اجرای احکام مدنی قبل از سال ۱۳۵۶ عبارت است از:

۱ - باب ششم قانون اصول محاکمات حقوقی مصوب سال ۱۳۲۹ قمری (مواد ۵۹۹ و ۷۴۹) و مواد ۷۹۳ و ۷۹۴ همین قانون.

۲ - قانون تسریع محاکمات سال ۱۳۰۹ که موادی به اجرای احکام اختصاص داده بود تا در مرحله ابلاغ اوراق اجرایی وقفه‌ای حاصل نگردد و چنانچه محکوم علیه اصرار دارد در مهلت‌های معین بتواند اعسار خود را ثابت و از بازداشت مصون بماند.

۳ - آیین دادرسی مدنی سال ۱۳۱۸ نیز اولاً مبحثی به اجرای احکام اختصاص داده

بود (ماده ۱۹۱ تا ۱۹۶) ثانیاً در قسمت تأمین خواسته مقرراتی در مورد توقیف اموال غیرمنقول توقیف اموال منقول، توقیف طلب و نظایر آن داشت که در ارتباط با اجرای احکام بود.

۴- قانون اصول تشکیلات دادگستری و اصلاحات بعدی که مقررات مربوط به سازمان اجرا و مدیران و مأمورین اجرا و وظائف و مسئولیت‌های آنان را در برداشت.

۵- قانون مدنی که اصول اجرای احکام محاکم خارجی، قوانین مالک و مستأجر سال ۳۹ قانون تجارت، قانون تصفیه امور ورشکستگی، قانون امور حسبی هر یک دستی در اجرا داشتند.

۶- قوانین مربوط به شورای داوری و خانه انصاف

۷- قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی سال ۱۳۵۱ و آیین‌نامه مربوط به آن که تکلیف محکومیت‌های ضرر و زیان مدعی خصوصی و جزای نقدی را معین کرده بود.

۸- قانون منع توقیف اشخاص در قبال تخلف از تعهدات و الزامات مالی سال ۱۳۵۳ ب- مباتی قانونی اجرای احکام در حال حاضر

۱- قانون اجرای احکام مصوب سال ۱۳۵۶ در ۹ فصل و ۱۸۰ ماده در این سال به تصویب رسید و با تصویب آن به موجب ماده ۱۸۰ این قانون موارد مندرج در باب ششم قانون اصول محاکمات حقوقی مصوب ۱۳۲۹ قمری و نیز مواد راجع به اجرای احکام در قانون تسریع محاکمات و سایر قوانینی که مخالف این قانون باشد ملغی اعلام گردید.

بدین ترتیب اجرای احکام بر محور قانون اجرای احکام مدنی مصوب سال ۱۳۵۶ صورت می‌گیرد و بعضی از مقررات اجرایی سابق مانند قانون اصول محاکمات حقوقی یا قانون تسریع محاکمات صریحاً نسخ شده.

و دیگر قابل مراجعه نیستند و دسته دیگری از قوانین که نسخ صریح نشده‌اند باید با قانون سال ۵۶ مورد مقایسه قرار گیرند در صورتی که معارض با قانون سال ۵۶ نباشند باید اجرا و الا نقض ضمنی تلقی و آن را نادیده گرفت.

این موارد عبارتند از:

۱- قانون تأمین و توقیف محکوم علیه دولتی

۲- قانون صدور چک و اصلاحات سال ۷۲ و ۷۶

۳- قانون تعیین مدت اعتبار گواهی عدم امکان سازش مصوب سال ۷۶

۴- قانون نحوه تخلیه خانه‌های سازمانی نیروهای مسلح مصوب ۷۳/۵/۱۷

۵- قانون وصول برخی از درآمدهای دولت مصوب ۷۳/۱۲/۲۸

انواع احکام مدنی □ ۱۷

- ۶- قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی سال ۱۳۷۷ و آیین نامه اجرایی آن
- ۷- قانون مالک و مستأجر سال ۵۶ و سال ۷۶
- ۸- آیین نامه اجرایی قانون دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳
- ۹- قانون دادگاه‌های عمومی و انقلاب سال ۱۳۷۳
- ۱۰- قانون منع توقیف اموال منقول و غیرمنقول متعلق به شهرداری‌ها مصوب ۱۱۶۱/۲/۱۴- آیین نامه اجرایی مفاد اسناد لازم‌الاجرا مصوب ۱۳۵۵
- ۱۲- قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب سال ۱۳۷۸
- ۱۳- قانون داورى تجارت بين المللى مصوب ۷۶/۲/۲۶ مجلس شورای اسلامی در ارتباط با آراء تجارت بين المللى
- ۱۴- ماده ۱۶۱ قانون کار در مورد اجرای آرای صادره هیئتهای تشخیص و حل اختلاف کار
- ۱۵- ماده ۱۷۵ قانون آیین دادرسی مدنی در مورد اجرای احکام سه گانه و تبصره ۲ ماده ۳۰۶ قانون آیین دادرسی مدنی در مورد احکام غیابی